



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

## مجموعه پژوهشهای اقتصادی

اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی

شماره ۲۵

**تغییر در ارزش داراییهای خارجی بانک مرکزی  
رویه‌های حسابداری و ملاحظات سیاستی**

سال ۱۳۸۴

مؤلف: آرمینه مانوکیان سلماسی

مندرجات این مقاله لزوماً بازگو کننده نظرات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیست.

نقل مطالب این مجموعه با ذکر ماخذ مجاز است.

## فهرست مطالب

۲	مقدمه
۴	فصل اول - توصیه های دستورالعملهای مختلف در خصوص نحوه طبقه بندی و حسابداری عایدی/زیان ناشی از نگهداری دارایی ها در موارد تحقق و عدم تحقق
۴	بخش اول: توصیه های آماری و حسابداری
۴	الف) نظام حسابداری ملی ۱۹۹۳ (SNA ۹۳)
۴	ب) دستورالعمل آمارهای پولی و مالی (MFSM)
۵	ج) دستورالعمل آمارهای مالی دولت (GFS)
۶	د) کتاب ترازپرداختها (BOP)
۷	ه) راهنمای تهیه جداول ترازپرداختها (BOP - Guide)
۸	بخش دوم: توصیه های صندوق بین المللی پول
۱۱	بخش سوم: توصیه های کتاب استاندارد حسابداری بین المللی (IAS)
۱۲	بخش چهارم: نکاتی از کتاب استانداردهای حسابداری برای بانکهای مرکزی
۱۲	۱- تغییر در روش گزارش دهی بانکهای مرکزی
۱۳	۲- روش حسابداری در خصوص عایدی تحقق نیافته
۱۵	۳- نحوه ثبت عایدی/زیان تحقق نیافته ناشی از نگهداری دارایی در سیستم اروپایی
۱۷	۴- اصول حسابداری مورد توافق عمومی - ایالات متحده آمریکا US-GAAP

- ۱۸ فصل دوم - تجربه بانکهای مرکزی در خصوص نحوه حسابداری ذخایر ارزی و ملاحظات در خصوص مالیات و سود سهام تخصیصی
- ۱۸ الف) نتایج بررسی منتشره در کتاب استانداردهای حسابداری برای بانکهای مرکزی
- ۲۰ ب) راهنمای بازرسی و حسابداری صنعتی بانکها - لندن انگلستان ۱۹۹۳
- ۲۱ ج) معافیت مالیاتی برخی از بانکهای مرکزی
- ۲۲ فصل سوم - جمع بندی و نتیجه گیری
- ۲۳ فصل چهارم - پیشنهاد بندهای اصلاحی ماده ۲۶ قانون پولی و بانکی کشور
- ۲۵ منابع و مأخذ

## پیشگفتار

تا قبل از سال ۱۳۸۱، سیستم ارزی کشور نرخ ثابتی از برابری ریال و دلار را پذیرفته بود. از این سال به بعد با توجه به آثار منفی مترتب بر سیستم رایج و رواج نرخ‌های متعدد در بازار، سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز به مورد اجرا گذاشته شد و نظام ارزی کشور به نظام نرخ ارز شناور مدیریت شده متحول گردید. با اجرای این سیاست، بر خلاف رویه معمول در سالهای قبل از آن، برابری دارایی و بدهیهای خارجی می‌بایست متناسب با اسعار خارجی تعدیل و در ترازنامه بانک مرکزی لحاظ گردد.

بر اساس مفاد ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور، مصوب تیرماه ۱۳۵۱، سود و زیان احتمالی حاصل از تغییر برابریهای قانونی نسبت به طلا و پولهای خارجی و اتفاقات ناشی از قوه قهریه متوجه دولت بوده و دولت موظف است در صورت بروز زیان، اسناد خزانه بی‌نام به بانک مرکزی تسلیم نماید و سود احتمالی نیز صرف تسویه بدهی دولت به بانک مرکزی می‌گردد. با توجه به اینکه ماده قانونی موصوف برای سیستم‌های ارزی با نرخ ثابت تنظیم شده و تصمیم آن به وضعیت فعلی، مشکلاتی را برای بانک مرکزی بوجود آورده است، لازم بود تا رویه‌ها و روشهای مرسوم بین‌المللی مورد بررسی و مداخله قرار گیرد.

پژوهش حاضر در صدد بررسی توصیه‌های استانداردهای حسابداری متفاوت و تجربیات کشورها در این خصوص می‌باشد تا نهایتاً براساس جمع‌بندی صورت گرفته بتوان پیشنهاد اصلاح ماده (۶) قانون پولی و بانکی مصوب سال ۱۳۵۱ کشور را که مربوط به بحث مطروحه می‌باشد ارائه نمود.

این پژوهش توسط خانم آرمینه مانوکیان سلماسی کارشناس اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی

انجام گرفته است.

## تغییر در ارزش داراییهای خارجی بانک مرکزی

### رویه‌های حسابداری، چگونگی تحقق/عدم تحقق در حسابهای درآمدی، ملاحظات سیاستی

بدنبال فقدان اجماع در روشهای حسابداری کیفیت ثبت تغییر ارزش بازار ذخایر و داراییهای خارجی بانکهای مرکزی بین مراجع مختلف و کاربرد روشهای مختلف در حسابداری درآمد و سود بانکهای مرکزی که به دنبال آن پرداختهای بانک مرکزی به دولت بابت سود سهام و مالیات تحت الشعاع قرار می‌گیرد، بررسی مقایسه‌ای در این خصوص صورت گرفته که نتایج آن در این گزارش گرد آوری شده است.

پس از مقدمه که بطور اختصار به بحث مورد نظر این گزارش بطور کلی پرداخته و مسئله را تشریح کرده است، قسمت اول گزارش در برگیرنده نتایج بررسی در دستورالعمل‌های مختلف آمارهای مالی، پولی، دولتی، ارزی و استانداردهای بین‌المللی حسابداری می‌باشد. در این قسمت به روشهای پیشنهادی و توصیه‌های این دستورالعملها در خصوص مفاهیمی نظیر تغییر ارزش دارایی، روش حسابداری در موارد تحقق و یا عدم تحقق تغییر در ارزش دارایی‌ها و تشخیص درآمد منتج شده از این تحولات اشاره شده است. همچنین در این قسمت به مالیات و سود سهام ترازنامه بانکهای مرکزی نیز پرداخته شده و نظرات متفاوتی که در این زمینه وجود دارد، ارایه شده است.

قسمت دوم گزارش به خلاصه‌ای از تجربه بانکهای مرکزی در خصوص نحوه حسابداری ذخایر ارزی آنها اشاره دارد. در دو قسمت آخر به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بحث و اصلاحات پیشنهادی مورد نظر در ماده ۲۶ قانون پولی و بانکی کشور پرداخته شده است.

بانک مرکزی به عنوان بانک مادر بانکها و اساساً برای مقاصد مالی عمومی بوجود آمده و وظایف عمده آن تنظیم و اجرای سیاست پولی می باشد. در واقع بانک مرکزی باید به عنوان نهادی مطمئن، با ثبات و قابل اعتماد در نظام پولی و مالی کشور شناخته شود تا بتواند در دستیابی به ثبات پولی و نظام مالی موفق بوده و موثر واقع شود.

حفظ موازنه پرداختها، تسهیل بازرگانی خارجی، ایجاد نقدینگی ارزی، کنترل بازار داخلی اسعار خارجی، حفظ و ارتقای درجه اعتباری کشور و مهمتر از همه حفظ ارزش پول ملی و کمک به رشد اقتصادی کشور از اهداف تأسیس بانکهای مرکزی می باشد. اهدافی که برای بانک مرکزی ایران در قانون پولی و بانکی کشور تعیین شده است عبارتند از: حفظ ارزش پول و موازنه پرداختها، تسهیل مبادلات بازرگانی و کمک به رشد اقتصادی کشور.

بانکهای مرکزی جهت دستیابی به اهداف سیاستی مورد نظر خود مجبور به خرید، فروش و نگهداری ذخایر ارزی می شوند. از آنجاییکه بانکهای مرکزی به دنبال سودآوری نمی باشند، لذا ذخایر ارزی را جزو داراییهای بلندمدت منظور کرده و جهت کنترل و جلوگیری از نوسانات شدید ارزش پول ملی وارد بازار می شوند.

جهت تهیه ترانزنامه پایان دوره برای شرکتها و موسسات مالی، استانداردهای آماری و حسابداری برای ارزیابی کل داراییها از جمله ذخایر ارزی، استفاده از قیمت بازار را توصیه می کنند. مادامیکه این ذخایر به فروش نرسیده باشند این عمل یک عایدی/زیان تحقق نیافته ناشی از نگهداری دارایی (unrealized holding gain/loss) ایجاد می کند که چنانچه عایدی مربوطه در ترانزنامه ثبت و به حساب سود و زیان منتقل گردد موجب پرداخت مالیات و تخصیص سودی می شود که هنوز تحقق نیافته است و امکان دارد در هر مقطعی از زمان به زیان تبدیل شود. بنابراین بانکهای مرکزی که موظف به نگهداری حجم بالایی از ذخایر خارجی می باشند و به دلیل وظایفی که دارند قادر به استفاده بهینه از این منابع به منظور حداکثر کردن سود خود نمی باشند، در ارزیابی و ثبت این نوع داراییها باید احتیاط و دقت کافی مبذول دارند.

بررسی حساب ذخیره تسعیر داراییها و بدهیهای ارزی بانک مرکزی ایران نشان می دهد که از سال ۱۳۸۱ پس از یکسان سازی و شناور شدن نرخ ارز، مانده این حساب بستانکار شده و در پایان سال ۱۳۸۲ به رقم قابل توجه ۲۹ هزار میلیارد ریال رسیده است. به طوریکه در حال حاضر این موضوع از نظر تشخیص درآمد و

در نتیجه مالیات گیری و تخصیص سود از آن به عنوان یک بحث قابل توجه برای مقامات بانک مرکزی و مسئولین دولتی مطرح می‌باشد. شایان ذکر است که اخیراً عواملی باعث افزایش اهمیت این موضوع شده است، بطوریکه هم اکنون جهت اتخاذ تصمیم نهایی ایجاب می‌کند تا بررسی دقیق‌تر و علمی‌تری در این زمینه صورت پذیرد. از جمله این عوامل موثر عبارتند از:

- یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ و به دنبال آن جایگزینی نرخ بازار به جای نرخ رسمی و ثابت
- تبدیل شدن مانده بدهکار به بستانکار در حساب ذخیره تسعیر داراییها و بدهیهای ارزی
- متنوع شدن پرتفوی ارزی که قبلاً عمدتاً دلاری بوده به گونه‌ای که هم اکنون مقدار قابل توجهی از پرتفوی ارزی از ارزهای دیگر از جمله یورو تشکیل شده است.
- تقویت ارزش یورو و سایر ارزهای موجود در سبد ذخایر ارزی بانک مرکزی در برابر دلار آمریکا

از مفاد ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی مصوب سال ۱۳۵۱ کشور اینگونه استنباط می‌شود که هدف قانونگذار از تخصیص سود احتمالی به استهلاک و بازپرداخت بدهیهای دولت ناظر بر برابریهای قانونی پول ملی به سایر اسعار می‌باشد. لذا بسط شمول این ماده به تغییر برابری ارزش بازاری ارزهای مختلف خصوصاً از مقطع تغییر نظام ارزی کشور از برابریهای ثابت به شناور مدیریت شده، فاقد توجه قوی می‌باشد. این استنباط خصوصاً در شرایطی که ارزش برابری ترکیب متنوع داراییهای خارجی بانک مرکزی در معرض تغییر مداوم قرار دارد و از این بابت امکان ظهور رقم زیان در حسابهای بانک مرکزی وجود دارد، از قوت بیشتری برخوردار است.

گزارش حاضر درصدد بررسی توصیه‌های استانداردهای حسابداری متفاوت و تجربیات کشورها در این خصوص می‌باشد تا مطالعه انجام شده مبنای نظری پیشنهاد اصلاح ماده ۲۶ قانون پولی و بانکی کشور را فراهم نماید.



## فصل اول - توصیه‌های دستورالعمل‌های مختلف در خصوص نحوه طبقه‌بندی و حسابداری عایدی/

زیان ناشی از نگهداری دارایی<sup>۱</sup> در موارد تحقق و عدم تحقق<sup>۲</sup>

### بخش اول - توصیه‌های آماری و حسابداری

#### الف) نظام حسابهای ملی<sup>۳</sup>

در دستورالعمل نظام حسابهای ملی - ۱۹۹۳ (SNA۹۳) به حساب تجدید ارزیابی و عایدی/زیان ناشی از نگهداری دارایی‌ها اشاره شده است. از آنجائیکه دستورالعمل‌های آمارهای مالی، پولی، ارزی و دولتی نشأت گرفته از SNA۹۳ به موارد مورد نظر این گزارش با جزئیات بیشتری پرداخته اند، بجای تکرار اصول کلی SNA۹۳ در خصوص تغییر ارزش ناشی از نگهداری داراییها به بررسی دستورالعمل‌های مذکور پرداخته می‌شود.

#### ب) دستورالعمل آمارهای پولی و مالی<sup>۴</sup>

در دستورالعمل آمارهای پولی و مالی (MFSM) روش حسابداری تعهدی در مقابل حسابداری نقدی پیشنهاد شده است. در این دستورالعمل موجودی پایان دوره (Closign Stock) علاوه بر جمع موجودی اول دوره و معاملات صورت گرفته طی دوره، شامل تجدید ارزیابی داراییها و سایر تغییرات در حجم داراییها نیز می‌باشد. در این دستورالعمل اشاره شده است که تغییر ارزش داراییها و بدهیها می‌تواند دو علت داشته باشد: ۱) تغییر در قیمت داراییها و بدهی‌های مالی ۲) تغییر در نرخ ارزی که مبنای تبدیل ارزش داراییها و بدهیهای خارجی به ارزش پول ملی می‌باشد.

در این دستورالعمل تصریح شده است که کلیه ارزیابی‌ها باید براساس قیمت بازار صورت گیرد و در خصوص اقلامی که مکرراً در بازار معامله نمی‌شوند و قیمت بازاری آنها مشخص نیست باید از طریق تخمین fair value که تقریبی از قیمت بازار می‌باشد، مورد ثبت قرار گیرند.

همان‌طور که در دستورالعمل SNA۹۳ نیز آمده است، حساب تجدید ارزیابی (Revaluation Account) به منظور نشان دادن عایدی/زیان ناشی از نگهداری دارایی که به موجب نوسانات ارزش بازاری یا (fair value) آنها حاصل شده است، بکار می‌رود (پاراگراف ۲۰۱-۱۹۶). در این دستورالعمل همچنین اشاره شده است که برای آمارهای مالی (Financial statistics) قلام مربوط به هر دو

<sup>۱</sup> -holding gain/loss.

<sup>۲</sup> - realized and unrealized.

<sup>۳</sup> -System of National Accounts ۱۹۹۳ (SNA۹۳)-۱۹۹۳

<sup>۴</sup> - Monetary & Financial Statistics Manual (MFSM)

طرف ترازنامه باید براساس قیمت بازار ارزیابی گردند. لیکن برای آمارهای پولی (monetary statistics) در حالیکه سهام و سایر اوراق بهادار در طرف دارایی‌های ترازنامه با ارزش بازار ثبت می‌گردند برخی از اجزاء سهام و سایر اوراق بهادار در طرف بدهی‌های ترازنامه باید با ارزش دفتری ثبت گردند. این روش ثبت حسابها با SNA93 همخوانی ندارد. دلیل این امر آن است که SNA93 اوراق بهادار را به انواع مختلف آن تقسیم نکرده و به جزئیات بحث وارد نشده است (پاراگراف ۳۹).

آمارهای مالی و پولی براساس واحد پول ملی تهیه می‌گردند. بنابراین دارایی‌ها و بدهیهای خارجی جهت درج در این حسابها باید به پول ملی تبدیل شوند. در این تبدیلات نرخ ارز رایج بازار باید مورد استفاده قرار گیرد (پاراگراف ۴).

در دستورالعمل MFSM مطلب خاصی درخصوص تحقق و یا عدم تحقق افزایش ارزش داراییها و نحوه ثبت آنها ارایه نشده است.

#### ج) دستورالعمل آمارهای مالی دولت ۲۰۰۱

در آمارهای مالی دولت (GFS) در فصل درآمد و قسمت مربوط به مالیات به طبقه‌بندی مالیات بردرآمد، مالیات سود و مالیات افزایش ارزش سرمایه (capital gain tax) ناشی از فروش دارایی‌ها اشاره شده است. انواع مالیات بردرآمد، سود و افزایش ارزش سرمایه به اشخاص یا شرکت‌ها و سایر موسسات منتسب می‌باشد (پاراگراف ۳۰-۵). این مالیات ممکن است بردرآمد و سود واقعی یا تخمینی و بر افزایش ارزش سرمایه تحقق یافته یا تحقق نیافته وضع شود (پاراگراف ۳۱-۵). همانند MFSM در دستورالعمل GFS نیز آمده است که اصولاً "کلیه مطالبات مالی باید برحسب قیمت‌های جاری بازار ارزیابی شوند (پاراگراف ۸۵-۷) و نیز دارایی خارجی با نرخ ارز رایج در بازار در زمان تهیه ترازنامه به ارزش پول ملی تبدیل شده و در حسابها ثبت می‌گردد (پاراگراف ۹۸-۷).

در این دستورالعمل درخصوص عایدی ناشی از نگهداری دارایی آمده است که افزایش ارزش دارایی از تغییرات قیمت منتج می‌شود و می‌تواند به کلیه داراییهای اقتصادی که برای مقطعی در طول یک دوره حسابداری نگاهداری می‌شوند، تعلق بگیرد. جزئیاتی نظیر اینکه دارایی برای کل طول دوره نگهداری می‌شود، یا طی دوره تحصیل و تا پایان دوره حفظ می‌گردد و یا اینکه طی دوره واگذار می‌شود از اهمیت

---

<sup>۱</sup> - Government Finance Statistics Manual ۲۰۰۱ (GFS).

چندانی برخوردار نبوده و در هر حالت باید افزایش ارزش دارایی محاسبه شده و جهت تبیین صحیح تفاوت کامل بین ترازنامه افتتاحیه و اختتامیه ثبت گردد. (پاراگراف ۴-۱۰)

افزایش ارزش دارایی می‌تواند تحقق یافته یا تحقق نیافته باشد. افزایش ارزش دارایی زمانی تحقق می‌یابد که دارایی مورد نظر فروخته شده، بازخرید شده، مورد استفاده قرار گرفته و یا به شکل دیگری واگذار شود. اگر دارایی کماکان تحت مالکیت باقی بماند، افزایش ارزش دارایی تحقق نیافته است. علاوه بر این سود تحقق یافته ناشی از نگهداری دارایی معمولاً "بعنوان سودی که طی کل دوره مالکیت دارایی کسب شده است به حساب می‌آید در حالیکه محاسبه این عایدی با توجه به دوره حسابداری خاصی انجام می‌گیرد.

#### د) کتاب ترازپرداختها<sup>۱</sup>

کتاب ترازپرداختها که یکی از دو کتاب تشکیل دهنده دستورالعمل ترازپرداختها (Balance of Payments Manual-BPM) می‌باشد نحوه برخورد با عایدی/زیان ناشی از نگهداری دارایی در موارد تحقق و عدم تحقق را در قالب مثال ذیل که تفاوت بین افزایش/کاهش ارزش سرمایه تحقق یافته (realized capital gains and losses) را که در ترازپرداختها منعکس می‌شود و تغییرات ارزشی تحقق نیافته که در ترازپرداختها منظور نمی‌گردد را توضیح می‌دهد. به عنوان مثال، یک دارایی مالی به قیمت ۵۰ واحد از خارج خریداری شده است و خریدار، دارایی خود را تا پایان دوره حفظ کرده و ارزش بازاری آن به ۸۰ واحد رسیده است. طبق دستورالعمل ترازپرداختها خرید دارایی مالی باید در ترازپرداختها با بدهکار کردن حساب معادل ۵۰ واحد ثبت گردد. کل ارزش دارایی نگهداری شده ۸۰ واحد می‌باشد که ۳۰ واحد آن سود ناشی از افزایش ارزش آن است که با تجدید ارزیابی مشخص می‌شود. این سود ارزیابی در ترازپرداختها منعکس نمی‌گردد، ولی در صورتحساب سرمایه‌گذاری خارجی (International Investment Position- IIP) با ثبت ۸۰ واحد در پایان دوره سرمایه‌گذاری منعکس می‌گردد. چنانچه قبل از اتمام دوره صاحب دارایی آن را با ۸۰ واحد به فروش برساند در این حالت در ترازپرداختها منعکس خواهد گردید. (پاراگراف ۶۴).

در قسمت دیگری مجدداً آمده است که هر نوع افزایش یا کاهش در ارزش موجودی وامها که تحقق نیافته است باید در صورتحساب سرمایه‌گذاری خارجی (IIP) منعکس شود و جزء ترازپرداختها قرار نگیرد (زیرنویس شماره ۵).

---

<sup>۱</sup> - Balance of Payments Textbook.

همچنین تصریح شده که درآمد سرمایه‌گذاری شامل افزایش/کاهش ارزش سرمایه نمی‌باشد. افزایش/کاهش ارزش سرمایه به هیچ وجه درآمد تلقی نمی‌شود، لیکن بعنوان بخشی از ارزش دارایی مالی به حساب می‌آید و هرگاه تحقق یابد افزایش/کاهش ارزش سرمایه در حساب مالی منعکس می‌شود. بدین ترتیب کلیه تغییر ارزش‌های تحقق نیافته از حساب ترازپرداختها خارج می‌گردند (پاراگراف ۳۸۹).

در قسمت تغییر ارزش آمده است که تغییرات ارزش سرمایه می‌تواند ناشی از تغییر در قیمت دارایی و یا تغییر نرخ ارز باشد. بنابراین تغییر ارزش سرمایه ناشی از تغییر قیمت دارایی و یا تغییر نرخ ارز که بابت آن معامله‌ای صورت نگرفته است در ترازپرداختها منظور نمی‌گردند. شایان ذکر است که در ویرایش قبلی دستورالعمل ترازپرداختها، تغییر ارزش ذخایر در ترازپرداختها منظور می‌گردید، لیکن پس از معرفی و تهیه صورتحساب جدیدی تحت عنوان صورتحساب سرمایه‌گذاری خارجی (IIP)، دیگر لزومی به ثبت تغییرات در سطح ذخایر در ترازپرداختها وجود ندارد (پاراگراف ۸-۴۶۶).

#### **ه - راهنمای تهیه جداول ترازپرداختها<sup>۱</sup>**

در راهنمای تهیه ترازپرداختها درخصوص عایدی/زیان ناشی از نگهداری دارایی اشاره شده است که بطور کلی ترازپرداختها از اصول کلی SNA۹۳ تبعیت می‌کند و جهت اجرای کامل دستورالعمل SNA۹۳ نیاز به بررسی جزئی تر و بسط بیشتر اجزای ترازپرداختها می‌باشد. همچنین تصریح شده است که براساس SNA۹۳، تغییرات قیمت و نرخ ارز که موجب عایدی/زیان اسمی ناشی از نگهداری دارایی (nominal holding gain) می‌شود و در IIP ثبت می‌گردد باید به دو بخش عایدی/زیان خنثی و واقعی ناشی از نگهداری دارایی تقسیم شود. (neutral /real holding gains/losses).

عایدی خنثی ناشی از نگهداری دارایی آن عایدی است که از افزایش قیمت دارایی دقیقاً متناسب با افزایش سطح عمومی قیمتها حاصل شده باشد. چنانچه قیمت دارایی مورد نظر متناسب با سطح عمومی قیمتها افزایش یابد، به طور متوسط ارزش واقعی آن (میزان کالاها و خدماتی که می‌توان با آن معاوضه کرد) نه افزایش و نه کاهش یافته است؛ در حالیکه عایدی واقعی ناشی از نگهداری دارایی زمانی حاصل می‌شود که قیمت نسبی این دارایی در مقایسه با سایر کالاها و خدمات و بطور متوسط نسبت به سطح عمومی قیمتها افزایش یافته باشد. در مقابل کاهش قیمت نسبی این دارایی موجب عایدی واقعی منفی ناشی از نگهداری دارایی می‌گردد (negative real holding gain).

<sup>۱</sup>-Balance of Payments Compilation Guide.

با توجه به توضیحات ارائه شده براساس دستورالعملهای آمارهای مالی، پولی دولتی و خارجی به نظر می رسد که غیر از موارد کلی که در این دستورالعملها به آنها اشاره شده است، هیچکدام به طور دقیق به سؤال مورد نظر این پژوهش اشاره نداشته و به حسابداری بانکها و بخصوص بانک مرکزی به تفصیل نپرداخته اند. بدین ترتیب براساس آنها نمی توان روش مشخصی در خصوص نحوه ثبت و حسابداری ذخایر خارجی بانک مرکزی اتخاذ کرد. در این خصوص شایان ذکر است که دستورالعملها، استانداردها و مقالات دیگری به این موضوع بطور صریح تر و مستقیم تر اشاره دارند که ذیلاً مورد بررسی واقع شده اند.

## **بخش دوم- توصیه های صندوق بین المللی پول**

مرجع دیگری که دقیقاً به مطلب مورد بحث اشاره دارد گزارش کاربردی شماره ۹۷/۲ اداره امور پولی و ارزی صندوق بین المللی پول است (Money & Exchange Affairs Department)، که ترجمه بخشهایی از آن در زیر نقل شده است. این مقاله از دو بخش "ماهیت فعالیتهای بانکهای مرکزی" و "سیاستها و روش های توصیه شده برای بانکهای مرکزی" تشکیل شده است.

### **۱- ماهیت فعالیتهای بانکهای مرکزی**

بانکهای مرکزی معمولاً به منظور حفظ سطح مورد نظر ذخایر خارجی برای کشور و یا بعنوان موسسه مالی دولت حجم بالایی از ارزهای خارجی را در موقعیت باز (open position) نگهداری می کنند. بانکهای مرکزی درصدد کسب سود از منابع ارزی مذکور نبوده و بیشتر از این منابع جهت اجرای سیاست تثبیت اقتصادی استفاده می کنند. برخلاف بانکهای مرکزی، بانکهای تجاری که با هدف کسب سود وارد معاملات ارزی می شوند، معمولاً سقفهایی برای موقعیت باز هر ارز در نظر می گیرند.

انتظار تحصیل سود تحقق نیافته ناشی از افزایش ارزش اسعار خارجی و تلقی آنها بعنوان درآمد می تواند اثرات قابل توجهی در برنامه سیاستهای پولی یک کشور داشته باشد. در صورتی که بانک مرکزی سود تحقق نیافته ناشی از تجدید ارزیابی را به عنوان درآمد تلقی کند، با توزیع سود تحقق نیافته مذکور به دولت خود را در معرض ریسک نوسانات نرخ بازار قرار می دهد.

بهر حال پولی کردن این سودهای تحقق نیافته جهت توزیع سود می تواند به یک سیاست انبساطی پولی ناخواسته منتج گردد. بنابراین نظر غالب این است که بانک مرکزی سود تحقق نیافته ناشی از نگهداری داراییهای ارزی خود را تا زمانی که تحقق نیافته اند (داراییهای به فروش نرسیده است) جزو درآمدها به حساب

نیارود. این بدان معنی است که بانک مرکزی می‌تواند روش اجرای محدود استاندارد حسابداری بین‌المللی (IAS ۲۱)<sup>۱</sup> را اتخاذ کند. عدم رعایت استاندارد توسط بانک مرکزی به دلیل موقعیت خاصی که این بانک در اقتصاد دارد معمولاً مورد قبول قرار می‌گیرد.

براساس IAS ۲۱ تغییر در ارزش (داراییها) باید در صورت درآمد موسسات منعکس گردد. اگرچه معمولاً موسسات در انتخاب روش تفکیک درآمد خالص خود به سود توزیع نشده و سود توزیع شده به سهامداران آزادی عمل دارند؛ لیکن برای بانک مرکزی این انعطاف پذیری وجود ندارد. همچنین بحث تشخیص سود و توزیع آن باید از یکدیگر مجزا باشند (به عبارتی می‌توان مبالغی سود تلقی شود لیکن توزیع نگردد). این در حالی است که بانک مرکزی به علت محدودیتهای قانونی به ندرت قدرت تفکیک دو بحث تشخیص درآمد و توزیع سود را دارد. بنابراین بانک مرکزی باید سیاستهای حسابداری خود را به گونه‌ای طراحی نماید که منعکس کننده اهداف خاص بانک مرکزی، هدف نگهداری و یا معامله ارزهای خارجی و احکام قانونی توزیع سود بانک مرکزی به دولت باشد. در حالت ایده‌آل روش انتقال سود باید تضمین کننده اعتبار ترازنامه بانک مرکزی باشد. به عبارت دیگر چنانچه روشهای حسابداری مناسب و صحیحی در تشخیص سود خالص و تخصیص وجوه در ذخایر کلی یا ویژه دنبال شود، بانک مرکزی باید سود باقیمانده را به دولت منتقل کند.

## ۲- سیاستها و روشهای توصیه شده برای بانکهای مرکزی

روش حسابداری توصیه شده برای بانک مرکزی در خصوص عملیات ارزهای خارجی به شرح ذیل می‌باشد: الف) ثبت معاملات ارزها با نرخي که مورد معامله قرار گرفته‌اند. ب) گزارش ترازهای دارایی و بدهی پولی براساس نرخ پایان دوره (closing period rate). ج) ثبت سود و زیان تحقق یافته ناشی از معاملات ارزهای خارجی در حساب سود و زیان. د) به تعویق انداختن ثبت سود و زیان تحقق نیافته از معاملات ارزهای خارجی در حساب سود و زیان و منظور کردن آنها در حساب ذخیره تجدید ارزیابی در ترازنامه.

این روش به این معناست که سودهای تحقق نیافته باید در ستون بستانکار و زیانهای تحقق نیافته باید در ستون بدهکار حساب ذخیره منظور گردند. هرگاه سود تحقق نیافته بیشتر از زیان تحقق نیافته باشد، حساب ذخیره تجدید ارزیابی اسعار خارجی تراز بستانکار نشان خواهد داد.

<sup>۱</sup> - International Accounting Standard, IAS ۲۱.

از طرف دیگر هرگاه زیان تحقق نیافته از سود تحقق نیافته بیشتر باشد حساب ذخیره تجدید ارزیابی اسعار خارجی تراز بدهکار خواهد داشت که موجب کاهش در ارزش سرمایه بانک مرکزی می‌گردد. به این ترتیب می‌توان حالتی را مشاهده کرد که بانک مرکزی در حساب سود و زیان خود سود گزارش کرده، در حالی که بایک حساب ذخیره منفی مواجه می‌باشد.

جهت حل این مشکل، زیان تحقق نیافته در حساب ذخیره تجدید ارزیابی باید فقط تا مقطع صفر شدن تراز حساب، بدهکار شوند. (۰ = بدهکار - بستانکار). باقیمانده زیانها باید در حساب سود و زیان ثبت گردند مگر اینکه شرایطی و یا سایر ذخایر برای ریسکهای اسعار خارجی بتوانند این زیانها را پوشش دهند. این روش در اکثر مواقع می‌تواند موجب گزارش یک سود کمتر در صورت درآمد گردد، لیکن بدین ترتیب ارزش سرمایه بانک مرکزی در ترازنامه محفوظ می‌باشد.

دلایل ثبت حسابهای تجدید ارزیابی اسعار خارجی در ترازنامه و مشمول نکردن آنها در حساب سود و زیان عبارتند از: الف) اطمینان از اینکه تغییرات نرخ ارز، درآمد بانک مرکزی را افزایش نمی‌دهد و ب) جلوگیری از توزیع سودهای تحقق نیافته.

در غیراینصورت پولی شدن سودهای تحقق نیافته می‌تواند به سیاست ناخواسته انبساطی منجر گردد. بعلاوه توزیع سود تحقق نیافته می‌تواند موجب تحلیل توان مالی بانک مرکزی گشته و تواناییهایش را در استفاده از تمام ظرفیتهایش و آن هم بطور مستقل کاهش دهد. علاوه بر این، چنانچه نتایج تحقق نیافته در حساب سود و زیان منظور گردند و اگر براساس مقررات، (بانک مرکزی) مجبور به انتقال آنها به بودجه و یا برعکس گردد، این نحوه عمل از آنجائیکه موجب ایجاد نوسانات ناخواسته در درآمدها و وجوه تامین مالی بودجه می‌گردد یک اثر بی ثباتی بر سیاستهای مالی برجای خواهد گذاشت.

روش فوق با روشهای ارایه شده در دستورالعمل صندوق بین‌المللی پول در نظام آمارهای مالی دولت - GFS (صفحات ۱۰۶ و ۱۲۶) (دستورالعمل سال ۱۹۸۶))<sup>۱</sup> هماهنگ می‌باشد. در این دستورالعمل آمده است که فقط انتقال سودهای تحقق یافته اسعار خارجی از بانک مرکزی به دولت باید در درآمدهای دولت منظور گردند. به علاوه میزان سودهای تحقق نیافته ناشی از تجدید ارزیابی اسعار خارجی و یا طلا که امکان دارد از بانک مرکزی به دولت انتقال یافته باشد باید در قسمت تامین مالی کسری بودجه دولت و نه در قسمت

<sup>۱</sup> - شایان ذکر است که نظام جدید آمارهای مالی دولت (تجدید نظر شده در سال ۲۰۰۱) به بحث مندرج در صفحات ۱۰۶ و ۱۲۶ دستورالعمل قدیمی در خصوص سودهای تحقق نیافته اشاره‌ای ندارد. نکاتی در خصوص این بحث در قسمت مربوطه این گزارش (دستورالعمل آمارهای مالی دولت ۲۰۰۱) آمده است.

درآمدها طبقه‌بندی گردد اثرات انبساطی این سودهای تحقق نیافته بر پرداختهای دولت مشابه اثری است که می‌تواند از استقراض دولت از بانک مرکزی بوجود آمده باشد.<sup>۱</sup>

### بخش سوم - توصیه‌های کتاب استاندارد حسابداری بین‌المللی<sup>۲</sup>

در استاندارد حسابداری بین‌المللی (IAS) مرتبط‌ترین مواد به موضوع مورد بحث، IAS ۲۱ و IAS ۳۹ می‌باشند که در آنها به ترتیب درخصوص "اثرات تغییرات نرخهای ارز" و "ابزارهای مالی: تشخیص و اندازه‌گیری" بحث شده است. به نظر می‌رسد که مانند سایر دستورالعملها و استانداردها IAS نیز چندبار مورد تجدید نظر قرار گرفته باشد. مواردی که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود مربوط به آخرین نسخه دستورالعمل‌های فوق می‌باشد که در دسامبر ۲۰۰۳ منتشر و از ابتدای سال ۲۰۰۵ به مرحله اجرا گذاشته شده است.

#### **IAS ۲۱ - اثرات تغییر نرخهای ارز**

این ماده به نحوه و روش منظور کردن معاملات با ارزشهای خارجی در صورتهای مالی یک نهاد یا شرکت می‌پردازد. IAS ۲۱ به معاملات ابزار مشتقه ارزشهای خارجی و حسابداری پوششی ارزشهای خارجی (hedge accounting of foreign currency) که در قسمت IAS ۳۹ به آنها اشاره شده است نمی‌پردازد.

این ماده درخصوص تغییرات نرخهای ارز، تغییر ارزش ارقام پولی ناشی از نوسانات نرخ ارز نسبت به زمان ثبت اولیه دارایی را سود و زیان تلقی می‌کند. در این خصوص یک استثنا وجود دارد. تغییر ارزش آن بخش از ارقام پولی که جزئی از سرمایه‌گذاری خالص نهاد یا شرکت به حساب می‌آیند، به عنوان یک جزء جدا در صورتهای مالی به ثبت می‌رسد. تغییر ارزش ناشی از نوسانات نرخ ارز موارد مذکور تنها پس از مصرف (تحقق یافتن)، سود و زیان تلقی خواهد گردید.

شایان ذکر است که در تجدید نظر IAS ۲۱ که قبلاً در سال ۱۹۹۳ صورت گرفت در خصوص فعالیت‌های مربوط به اسعار خارجی این الزام وجود داشت که کلیه سود و زیان حاصل از نوسانات نرخ ارز تحقق یافته و تحقق نیافته در حساب سود و زیان منظور گردند.

۱ - ترجمه مقاله استخراج شده از گزارش کاربردی شماره ۹۷/۲ اداره امور پولی و ارزی صندوق بین‌المللی پول.

<sup>۲</sup> - International Accounting Standard (IAS)



## IAS۳۹- ابزارهای مالی: تشخیص و اندازه‌گیری آنها

در سال ۲۰۰۱، در ویرایش تجدیدنظر شده IAS۳۹، روش استفاده گسترده‌تر از fair value برای ثبت داراییها و بدهیهای مالی توصیه گردید. همچنین الزامات قوی‌تر و سخت‌گیرانه‌تری در خصوص گزارش سود و زیان تحقق یافته و تحقق نیافته در حساب سود و زیان اتخاذ شد.

در تجدیدنظر سال ۲۰۰۳ نیز تصریح شده است که داراییها و بدهیهای مالی اصولاً بر اساس fair value ثبت می‌گردند. لیکن با توجه به اهدافی که این ابزارها برای نیل به آنها مورد استفاده قرار می‌گیرند می‌توانند از روشهای اندازه‌گیری و ثبت متفاوتی برخوردار گردند. مثلاً سرمایه‌گذارهای بلندمدت که تا زمان سررسید نگهداری می‌شوند معمولاً با هزینه واگذاری (قیمت معامله‌ای) ثبت می‌شوند. ابزارهای مالی که به عنوان ابزار مبادله‌ای تحصیل نشده‌اند با fair value ارزیابی نمی‌شوند. در مقابل، داراییها و بدهیهای مالی که به طور فعال در بازار معامله شده و بدین منظور نگهداری می‌شوند باید با قیمت بازاری یا fair value ثبت گردند.

### بخش چهارم - استانداردهای حسابداری برای بانکهای مرکزی<sup>۱</sup>

با توجه به تغییر و تحولاتی که اخیراً در ملاحظات حسابداری بانکهای مرکزی صورت گرفته مقالات منتشره در کتاب "استانداردهای حسابداری برای بانکهای مرکزی" می‌تواند در نتیجه‌گیری نهایی گزارش حاضر کمک بسزایی باشد. این کتاب در سال ۲۰۰۳ منتشر گردیده و دقیقاً بحث مورد نظر این گزارش را از جوانب مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد. ذیلاً به خلاصه‌ای از مطالب مربوطه تحت چهار عنوان مجزا اشاره می‌گردد.

#### ۱- تغییر در روش گزارش‌دهی بانکهای مرکزی

در دهه ۱۹۹۰، گزارش‌دهی بانکهای مرکزی به طور اخص مورد توجه قرار گرفت. استقلال کارکردی بانکهای مرکزی یکی از دلایلی بود که گزارشهای مالی بانکهای مرکزی را مورد توجه خاص و تجدیدنظر قرار داد. در گذشته گزارشهای مالی بانکهای مرکزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار نبود لیکن در دهه ۱۹۹۰ بررسی گزارشهای مالی بانکهای مرکزی مورد توجه قرار گرفت و سیر همگرا شدن گزارشهای بانکهای مرکزی مختلف و پیروی از یک استاندارد مشترک آغاز شد.

چهار عامل اصلی که موجب تغییر و تجدیدنظر گزارش‌دهی بانکهای مرکزی شده است، عبارتند از:

<sup>۱</sup> - Accounting Standards for Central Banks.

الف - تغییر گسترده در نقش و تعهدات بانکهای مرکزی که نیازمند جوابگویی بیشتر و شفاف تر شدن عملیات این بانکها شد. با استقلال بیشتر بانکهای مرکزی گزارش مالی آنها اهمیت ویژه ای یافته و برخلاف زمانی که آنها به عنوان یکی از ارکان دولت فعالیت می کردند، در حال حاضر تعداد قابل توجهی از آنها در عملکردشان از استقلال کافی برخوردار بوده که ملاحظات جدیدی را به دنبال خود می آورد. بانک مرکزی به عنوان قوه اجرایی که قدرت و اختیارات وسیعی در طراحی سیاستهای پولی و ارزی دارد، موظف به گزارش دهی و پاسخگویی دقیق می باشد، به طوریکه نشان دهد از قدرت و اختیارات خود به طور کارآ و مناسب بهره برداری می کند. بدین منظور است که شفافیت گزارشهای مالی مورد تاکید و اهمیت خاص قرار گرفته است.

ب - معرفی و اتخاذ سیاست تضمین امنیت مالی توسط صندوق بین المللی پول که براساس آن بانکهای مرکزی کشورهایی که از صندوق بین المللی پول وام دریافت می کنند ملزم به رعایت استانداردهای حسابداری خاص آن می باشند.

ج - افزایش نیاز به بررسی دقیق ذخایر بانکهای مرکزی به دنبال بحرانهای مالی آسیا.

د - پیشرفت، تجدیدنظر و سیر همگرایی استانداردهای حسابداری بین المللی .

## ۲- روش حسابداری در خصوص عایدی تحقق نیافته

براساس استاندارد گزارشدهی مالی بین المللی (IFRS)<sup>۱</sup> اکثر داراییهای بانک مرکزی باید بر مبنای fair value ارزش گذاری شده و در ترازنامه ثبت گردند. بنابراین هر نوع افزایش یا کاهش ارزش داراییهایی که تحقق می پذیرد باید در حساب سود و زیان منعکس گردد. برای بانکهای مرکزی که به طور معمول ذخایر خود را با ارزش دفتری و یا روشهای بسیار محتاطانه به ثبت می رسانند این نحوه برخورد یک تغییر عمده به حساب می آید. بانک مرکزی به عنوان اداره کننده ذخایر ارزی ملی معمولاً مقدار زیادی پرتفوی ارزی پوشش داده نشده (آزاد) نگهداری می کند. بنابراین نوسانات شدید نرخ ارز می تواند سود و زیان قابل توجهی را در ترازنامه بانک مرکزی موجب گردد. چنانچه این ذخایر با ارزش بازار ثبت شوند و تغییرات آن به حساب سود و زیان منتقل شوند این امر می تواند وضعیت درآمدی بانک مرکزی را با نوسانات شدیدی روبرو کند. همچنین سود تحقق نیافته قابل توجهی که در پرتفوی ذخایر بانک مرکزی ثبت می گردد، این بانک را جهت تخصیص سود تحت فشار قرار می دهد.

---

۱- International Financial Reporting Standard (IFRS).

مشکل زمانی بروز می کند که به دلیل نوسانات معکوس نرخهای ارز یا قیمت داراییهای خارجی، سود تحقق نیافته به زیان تبدیل شود. همانطور که Niall Merriman اشاره کرده است "سود تحقق نیافته بانک مرکزی که توزیع و پرداخت شده است، در زمان زیان قانوناً قابل برگشت نخواهد بود." به علاوه توزیع سود تحقق نیافته می تواند اثرات انبساطی پولی را به دنبال داشته باشد، مگر اینکه دولت به نوبه خود از یک مازاد بودجه به همان میزان برخوردار گردد.

ایراد دیگری که به روش حسابداری بر مبنای fair value وارد می شود در خصوص ذخایر داخلی (بر مبنای پول ملی) بانک مرکزی است. اکثر بانکهای مرکزی در ترازنامه خود بخش قابل توجهی از بدهیهای دولت (به ارزش پول ملی) را نگهداری می کنند. چند نکته در این خصوص حائز اهمیت است. اولاً "به دلیل فقدان بازار مناسب برای این نوع ابزار دولتی، ارزش گذاری آنها بر اساس fair value بسیار مشکل می باشد. ثانیاً این نوع ارزش گذاری بدهیهای دولت مستلزم تغییرات زیادی در این بدهیها می باشد که نتیجتاً می تواند در حالت افراطی بانک مرکزی را به عدم توانایی در پرداخت دیون خود سوق دهد. نکته دیگری که مطرح می باشد این است که از آنجاییکه بانکهای مرکزی تعیین کننده نرخهای بهره کوتاه مدت می باشند، لذا خود در تعیین سطح ارزش بدهیها موثرند. بنابراین آنها می توانند از سود تحقق نیافته ای که از تصمیم خودشان منتج شده است بهره مند گردند. این مسئله از این منظر که بانک مرکزی به جای پیروی از اهداف سیاستی خود دنبال حداکثر کردن سود می باشد می تواند زمینه انتقادی برای آن فراهم آورد.

احتمالاً یکی از ساده ترین راه حلها برای مشکل توزیع سودهای تحقق نیافته این است که دولت از مداخله در تعیین سیاست سود سهام بانک مرکزی محروم شود. بدین ترتیب بانک مرکزی به جای توزیع سود سهام به دولت می تواند از محل سود تحقق نیافته به افزایش ذخایر خود اقدام کند.

شایان ذکر است که اتخاذ هر نوع تصمیمی در خصوص سود سهام بانک مرکزی معایب و مشکلات مختص به خود را به دنبال خواهد داشت. از یک طرف در حالت دولتهای سخت گیر و مداخله گر سرمایه بانک مرکزی می تواند دچار کاهش بیش از اندازه گردد و از طرف دیگر در حالت بانکهای مرکزی محافظه کار که به ذخیره کردن بیش از اندازه دارایی خود اقدام می کنند، می تواند موجب کاهش منابع تزریقی به اقتصاد شود. به طور کلی تجربه کشورهای مختلف به خصوص از سال ۱۹۹۶ به بعد نشان می دهد که این موضوع نه تنها یک بحث آکادمیک می باشد بلکه در حال حاضر در عمل نیز مطرح بوده و توافق نظر نهایی بر آن وجود ندارد.

مطلب دیگر اینکه از آنجا که استاندارد حسابداری مشخصی برای بانکهای مرکزی وجود ندارد، بانکهای مرکزی جهت دستیابی به شفافیت بیشتر در گزارشهای خود از استانداردهای بین‌المللی که برای نهادهای مالی تجاری طراحی شده‌اند، پیروی می‌کنند. لیکن بانکهای مرکزی معمولاً قادر به اجرای کامل مقررات این استانداردها نبوده و در نتیجه در عمل در روش متخذه توسط بانکهای مرکزی استثنائات قابل توجهی نسبت به روش اصلی پیشنهادی استانداردهای بین‌المللی مشاهده می‌گردد. در این خصوص می‌توان دو نمونه بارز بانک مرکزی اتحادیه اروپا (European Central Bank) و فدرال رزرو آمریکا را نام برد که گزارشهای منتشره آنها در اختیار عموم قرار می‌گیرد.

در خصوص بانک مرکزی اتحادیه اروپا می‌توان گفت که انحراف از روش پیشنهادی IFRS عمدتاً به روش تجدید ارزیابی محدود می‌گردد که به موجب آن تشخیص (ثبت) تغییر ارزش دارایی را تا محقق شدن آن به تعویق می‌اندازد.

فدرال رزرو آمریکا نیز با ثبت کلیه داراییهای مالی (اوراق بهادار) با نرخ واگذار شده (amortized cost) و نه براساس fair value از روش پیشنهادی اصول حسابداری مورد توافق عمومی (GAAP-US)<sup>۱</sup> تفاوت‌های زیادی دارد. بدین ترتیب براساس هر دو روش مذکور عایدی یا زیان ناشی از نگهداری دارایی که تحقق نیافته است در محاسبات سود و زیان به حساب نمی‌آید.

### ۳- نحوه ثبت عایدی یا زیان تحقق نیافته ناشی از نگهداری دارایی در سیستم اروپایی

در مقررات حسابداری سیستم اروپایی سودهای تحقق نیافته بطور کل مشمول محاسبه درآمد قرار نمی‌گیرد. این روش از فشار بر بانک مرکزی در توزیع سود سهام کاسته و زمینه را جهت افزایش ذخایر به منظور پوشش نوسانات پرتفوی اسعار خارجی فراهم می‌کند. Merriman در طرفداری از مقررات ویژه برای حسابداری بانک مرکزی و پیروی نکردن از مقررات سایر نهادهای تجاری این بحث را مطرح می‌کند که بانک مرکزی اغلب به میزان قابل توجهی پرتفوی ارزی دارد و جهت مقابله با نوسانات ارزش آن مجبور به نگهداری ذخایر به میزان بالایی می‌باشد. بنابراین آنها تصمیم گرفتند تا سود تحقق نیافته به جای انتقال به حساب سود و زیان به ذخایر منتقل شود. به علاوه سود و زیان تحقق نیافته ناشی از منابع مختلف (اسعار و یا ابزارهای مالی متفاوت) نباید در تسویه عدم تعادل‌های یکدیگر مورد استفاده قرار گیرند.

<sup>۱</sup> - Generally Accepted Accounting Principles. (GAAP).

در مقررات مصوب حسابداری بانک مرکزی اتحادیه اروپا (مورخ ۵ دسامبر ۲۰۰۲) در فصل سوم که مربوط به بحث تشخیص درآمد می باشد آمده است:

۱- تشخیص درآمد طبق ضوابط زیر انجام می شود:

الف - درآمدها و زیانهای تحقق یافته در حساب سود و زیان ثبت می شوند.

ب - سود تحقق نیافته، درآمد تلقی نمی شود و مستقیماً به حساب تجدید ارزیابی منتقل می شود.

ج - مازاد زیان تحقق نیافته نسبت به درآمد تحقق نیافته ثبت شده در حساب تجدید ارزیابی به حساب سود و زیان منتقل و ثبت می گردد.

د - زیانهای تحقق نیافته ثبت شده در حساب سود و زیان سالهای قبل، در سالهای بعد جهت تسویه از محل سودهای تحقق نیافته جدید، برگشت داده نخواهند شد.

ه - تسویه زیان تحقق نیافته یک نوع اوراق بهادار، ارز و یا طلا از محل سود تحقق نیافته سایر اوراق بهادار، ارزها و طلا مجاز نمی باشد.

در مقررات جاری حسابداری برای سیستم بانکی اتحادیه اروپا ابزارهای مالی به دو نوع تقسیم می شوند:

۱- ابزارهایی که با هدف معامله کردن نگهداری می شوند و در دفاتر مبادله (trading book) ثبت می گردند و

۲- ابزارهایی که با زمان سررسید نگهداری شده و در دفاتر بانکی (banking book) ثبت می شوند.

ابزارهای مندرج در حساب مبادله با قیمت بازار ارزش گذاری می شوند و سود و زیان حاصل از تجدید ارزیابی این ابزارها در حساب سود و زیان منعکس می گردد. بنابراین نحوه حسابداری این ابزارها (مندرج در دفاتر مبادله) کلیه ریسکهای بازار (مانند ریسک قیمت، نرخ بهره، نرخ ارز و نقدینگی) را در نظر می گیرد. از طرف دیگر ابزارهای مندرج در دفاتر بانکی با قیمت پایین تر از قیمت بازار به ترازنامه منتقل می شوند و در حالیکه زیان تحقق نیافته دفاتر بانکی به حساب سود و زیان منتقل می شود، عایدی تحقق نیافته سود تشخیص داده نشده و می تواند در حسابی تحت عنوان ذخیره پنهانی در ترازنامه باقی بماند. بنابراین نحوه حسابداری دفاتر بانکی غیر از نرخ ارز که معمولاً قیمت پایان دوره آن به کل اقلام ترازنامه ای اعمال می شود ریسکهای بازار را پوشش نمی دهد.

تغییر و تحولی که اخیراً در نظام حسابداری سیستم بانکی اتحادیه اروپا پیشنهاد شده است

یکسان سازی در مقررات حسابداری برای کلیه ابزارهای مالی می باشد. به این معنی که نحوه ثبت دفاتر مبادله ای و بانکی باید از یک نوع مقررات پیروی کنند. بدین ترتیب تمام داراییها و بدهیهای این دو حساب باید براساس ارزش بازار در ترازنامه ثبت گردند. بنابراین کلیه تغییر در ارزشها (اعم از تحقق یافته و نیافته) باید در ترازنامه

مشخص شده و به حساب سود و زیان منتقل گردد. بدین ترتیب تجدید ارزیابی بدون توجه به تحقق سود و زیان انجام خواهد شد و در نتیجه حساب ذخیره پنهانی در ترازنامه از بین خواهد رفت. براساس این روش ریسکهای بازار درخصوص ابزارهای مندرج در هر دو دفتر مبادله‌ای و بانکی در نظر گرفته خواهد شد. شایان ذکر است که در ارتباط با پیشنهاد مطروحه مجدداً انتقادهایی وارد است و به نظر می‌رسد که این مسئله همچنان مطرح و به یک روش همه جانبه و فراگیر منتج نشده است.

#### ۴- اصول حسابداری مورد توافق عمومی<sup>۱</sup> - ایالات متحده آمریکا درخصوص سرمایه‌گذاری در

#### اوراق بهادار

همانند IAS در US-GAAP سرمایه‌گذاری در داراییها (اوراق بهادار) به سه نوع طبقه‌بندی می‌شود: ۱- سرمایه‌گذاری به منظور مبادله (held for trading) ۲- سرمایه‌گذاری بلندمدت که تا زمان سررسید آن نگهداری می‌شود (held for maturity) و ۳- داراییهای آماده برای فروش. براساس این مقررات داراییهایی که تا زمان سررسید نگهداری می‌شوند براساس قیمت اولیه ای که معامله صورت گرفته است ارزش گذاری شده و عایدی یا زیان تحقق نیافته ناشی از نگهداری این نوع داراییها به حساب نیامده و درآمدها یا زیان محسوب نمی‌شوند. سرمایه‌گذاری در داراییهایی که به منظور مبادله صورت گرفته است براساس fair value ارزش گذاری شده و عایدی یا زیان تحقق نیافته ناشی از نگهداری این نوع داراییها در حساب سود و زیان منعکس می‌گردد. داراییهای آماده فروش نیز با fair value ارزش گذاری شده و عایدی یا زیان تحقق نیافته ناشی از نگهداری این داراییها در نظر گرفته می‌شود (تشخیص داده می‌شود) لیکن به عنوان یک قلم مجزا در حقوق صاحبان سهام ثبت می‌گردد.

---

<sup>۱</sup> - Generally Accepted Accounting Principles (GAAP).

## فصل دوم - تجربه بانکهای مرکزی در خصوص نحوه حسابداری ذخایر ارزی و ملاحظاتی

### در خصوص مالیات و سود سهام تخصیصی به دولت

#### الف) نتایج بررسی منتشره در کتاب استانداردهای حسابداری برای بانکهای مرکزی

در سال ۲۰۰۳ بررسی ای در خصوص نحوه ارایه گزارش اکثر بانکهای مرکزی دنیا و تغییرات اخیر اعمال شده در چارچوب این گزارشها صورت گرفت. نتایج بررسی در مواردی که به موضوع مورد بحث این گزارش مرتبط می باشد به شرح ذیل خلاصه شده است:

- در دهه گذشته سیر همگرایی در روش حسابداری بین بیش از ۱۶۰ بانک مرکزی دنیا به چشم می خورد. براساس این بررسی بیش از نیمی از بانکهای مرکزی از استاندارد بین المللی حسابداری (IAS) و یا از نظام اروپایی بانکهای مرکزی (European System of Central Banks-ESCB) تبعیت می کنند.
- در این بررسی پرسشنامه هایی متشکل از سوالاتی در خصوص چارچوب حسابداری آنها تهیه و به اکثر بانکهای مرکزی ارسال گردیده که ۴۴ بانک مرکزی به آن پاسخ داده اند. نتایج ذیل از پاسخهای پرسشنامه های این ۴۴ بانک مرکزی استخراج شده است.

سوال (۱) - بانک مرکزی از چه نوع چارچوب حسابداری پیروی می کند؟

چارچوب	تعداد	درصد
IAS	۱۷	۳۹٪
ESCB	۱	۲٪
استاندارد ملی حسابداری	۷	۱۶٪
استاندارد مختص بانک مرکزی	۴	۹٪
سایر	۶	۱۶٪
ترکیبی از IAS و سایر	۹	۲۰٪
کل	۴۴	

سوال (۲) - روش حسابداری بانک مرکزی نقدی یا تعهدی می باشد؟

تعهدی	تعداد	درصد
تعهدی	۲۹	۹۷٪
نقدی	۰	۰٪
هر دو	۱	۳٪
کل	۳۰	

سوال (۳) - بانک مرکزی در خصوص تجدید ارزیابی ذخایر خارجی چه روشی را اتخاذ می‌کند؟

۴۳	۱۹	مطابق با IAS ۲۱
۲۳	۱۰	انتقال سود/ زیان به ذخیره تجدید ارزیابی دارایی
۱۴	۶	تبدیل سود/زیان به دارایی/بدهی در ترازنامه
۹	۴	ترکیبی از روشهای بالا
۱۱	۵	سایر
۴۴		کل

یکی از کشورهای توسعه یافته‌ای که از سیستم ESCB تبعیت می‌کند عایدی پس از تجدید ارزیابی را تحت بدهی‌ها در ترازنامه نشان می‌دهد. لیکن زیان ناشی از تجدید ارزیابی را در پایان سال به عنوان زیان تحقق یافته به حساب سود و زیان منتقل می‌کند. بانک مرکزی دیگری سود و زیان تحقق یافته را به عنوان سود یا زیان در زمانی که به وقوع پیوسته‌اند نشان می‌دهد؛ سود تحقق نیافته به ذخیره تجدید ارزیابی منتقل شده در حالیکه زیان تحقق نیافته به حساب تجدید ارزیابی مربوطه منتقل می‌شود.

اکثر بانکهای مرکزی که سود و زیان را به ذخیره تجدید ارزیابی داراییها منتقل می‌کنند بانکهای کشورهای در حال توسعه می‌باشند. یکی از کشورهای در حال توسعه در ملاحظات خود آورده است که «صرفاً» به دلیل رعایت مناسبات حسابداری، کل سود و زیان طبق IAS ۲۱ طبقه‌بندی می‌گردند. اگرچه قانون بانک مرکزی اجازه می‌دهد سودهای اسعار خارجی به حساب خاصی منتقل شود تا بتواند به عنوان یک ذخیره احتیاطی در آینده در مقابل زیانهای احتمالی مورد استفاده قرار گیرد، لیکن این سودها به عنوان بخشی از سود قابل تخصیص به حساب سود و زیان منتقل می‌گردد.»

در خصوص بانکهای مرکزی که در جدول فوق در ردیف «سایر» قرار گرفته‌اند توضیح داده شده است که «طبق مقررات بانک مرکزی سود و زیان تحقق نیافته ناشی از تجدید ارزیابی ذخایر طلا و اسعار خارجی به دلیل نوسانات شدید آنها باید در یک حساب موقت در ترازنامه نگهداری شوند و تا زمانی که تحقق نیافته‌اند به حساب سود و زیان منتقل نشوند. در پایان سال مالی زیان ناشی از تجدید ارزیابی این ذخایر هزینه تلقی می‌گردد لیکن سود تجدید ارزیابی تحقق نیافته در همان حساب باقی می‌ماند.»



سوال (۴)- در حال حاضر بانک مرکزی چه نوع ذخیره تجدید ارزیابی در ترازنامه خود دارد؟

ذخیره تجدید ارزیابی اسعار خارجی	۳۰	٪۷۵
ذخیره تجدید ارزیابی طلا	۲۱	٪۵۳
ذخیره تجدید ارزیابی اوراق بهادار	۱۴	٪۳۵
سایر	۱۰	٪۲۵
کل	۴۰ از ۴۴	

### ب) راهنمای بازرسی و حسابداری صنعتی بانکها - لندن - انگلستان ۱۹۹۳<sup>۱</sup>

تعدیل و تجدید ارزیابی ناشی از تغییرات نرخ ارز در حسابداری صورت وضعیت بانکها از اهمیت خاصی برخوردار است. با این وجود می‌توان گفت یک روش همه جانبه و عمومی در این خصوص وجود نداشته و معمولاً روش اتخاذ شده به قوانین مرتبط و تجربیات بانکها برمی‌گردد.

در حال حاضر روش مشخص و عمومی برای مالیات گیری از سود و زیان ناشی از نوسانات ارزش پول وجود ندارد. مشکل اساسی در سیستم مالیات انگلیس به تفکیک سرمایه و درآمد برمی‌گردد. تعدیل ارزش ارزی داراییهای ثابت (مانند سرمایه گذاری در داراییهای خارجی) معمولاً تنها زمانی اثر مالیاتی دارد که درآمد آن تحقق یافته باشد. در حالیکه در محاسبه مالیات و یا تخفیف در پرداخت آن در خصوص داراییهای جاری (مانند حسابهای ارزی بانکها، ذخایر نقدی ارزی و سپرده و بدهیهای ارزی) معمولاً ارقام تحقق نیافته مبنای محاسبه قرار می‌گیرند.

مشکل عمده‌ای که در سالهای اخیر به چشم می‌خورد مالیات بر سود و زیان ارزی ناشی از بدهیهای ارزی بلندمدت و همچنین وامهای وابسته می‌باشد. در برخی مواقع نوسانات ارزی موجب زیانهای ارزی قابل توجهی در بازپرداخت بدهیهای خارجی گشته است. براساس روشها و قوانین جاری، این زیانها (به علت بلندمدت بودن آنها) در تخفیف مالیاتی مدنظر قرار نگرفته اند.

در سال ۱۹۸۹ "Inland Revenue" اولین سند مشورتی خود را در خصوص مالیات بر سود و زیان ارزی منتشر کرد. به دنبال آن در سال ۱۹۹۱ سند دوم منتشر گردید که در آن آمده است:

- تعدیلات ارزی کلیه داراییها و بدهیهای پولی به محض ایجاد تعهد درآمد تلقی می‌گردند.
- تعویق جزئی در سودهای ارزی تحقق نیافته در وضعیتهای خاص

<sup>۱</sup> - Industry Accounting and Auditing Guides – London, Uk-۱۹۹۳

- اعمال قوانین ویژه برای برخی شرکت‌های خاص (صفحه ۳۷۲-۳۶۹)

### ج) معافیت مالیاتی برخی از بانکهای مرکزی

در منطقه آسیا پسیفیک برخی از دولتها معتقدند مالیات گیری از بانکهای مرکزی و بخصوص از عملیات بازار باز آنها صحیح نمی باشد. مقامات پولی هنگ کنگ، بانک مرکزی زلاندنو و بانک مرکزی تایلند از پرداخت هر نوع مالیاتی معاف می باشند. همچنین بانکهای مرکزی استرالیا، اندونزی و سنگاپور از پرداخت مالیات بر عملیات بازار باز معاف بوده، لیکن مشمول سایر مالیاتها می باشند. این دولتها معتقدند اجرای مدیریت پولی موثر توسط بانکهای مرکزی باید توانایی بی قید آنها تضمین شده باشد. همچنین بانک مرکزی فیلیپین که در قانون سال ۱۹۹۳ خود برای مدت ۵ سال از پرداخت مالیات معاف شده بود، استدلال‌های ذیل را برای معافیت مالیاتی بانک مرکزی برشمرده است.

- برخلاف بانکهای تجاری که نرخهای وام گیری و وام دهی آنها در بازار تعیین می شود، نرخ ابزارهای معاملاتی بازار باز بانک مرکزی فیلیپین به عنوان یک ابزار سیاستی در جهت سیاستهای پولی مورد نظر بکار می رود.

- وجوهی که بانک مرکزی فیلیپین از بانکها به منظور کاهش عرضه پول استقرار کرده است به جای وام دهی و کسب درآمد (رویه‌ای که سایر بانکها اتخاذ می کنند) در بانک مرکزی نگهداری می شود.

- بانک مرکزی فیلیپین به بانکهایی که موقتاً با مشکل نقدینگی روبرو هستند با نرخ بازار اوراق قرضه خزانه وام می دهد، لیکن حجم وام بستگی به میزانی دارد که بانکها جهت رفع مشکل نقدینگی خود نیاز دارند.

- حجم فروش اوراق قرضه خزانه توسط بانک مرکزی به بازار که تحت عنوان عملیات بازار باز صورت می پذیرد با هدف کسب درآمد نبوده بلکه براساس ملاحظاتی می باشد که بتوان براساس آنها تحقق اهداف تورمی موردنظر را تضمین کرد.

## فصل سوم - جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به توصیه‌های ارائه شده در دستورالعمل‌های آماری و حسابداری در خصوص نحوه ثبت و حسابداری عایدی یا زیان ناشی از نگهداری دارایی و همچنین با توجه به رویه‌های کلی حاکم بر سیر تحولات اخیر در استانداردها و دستورالعمل‌های حسابداری به نظر می‌رسد در کلیه دستورالعمل‌های مزبور به منظور شفافیت بیشتر حسابها و نیز به دلیل واقعی‌تر نشان دادن وضعیت شرکتها و موسسات مالی بر تجدید ارزیابی کلیه اقلام براساس قیمت بازار آنها تأکید شده است. بدین ترتیب کلیه تغییر ارزش‌ها اعم از اقلام تحقق یافته و تحقق نیافته در تعیین سود نهاد مربوطه موثر واقع خواهند شد. همچنین به نظر می‌رسد به مرور زمان از اقلام مستثنی که مشمول این مقررات نمی‌شدند (بطوریکه می‌توانستند با قیمت معامله‌ای ثبت گردند و اقلام تحقق نیافته آنها در تعیین سود موثر واقع نشوند) کاسته می‌شود.

لیکن در کنار این مشاهدات، ملاحظات دیگری نیز وجود دارد. در بررسی‌های به عمل آمده در این گزارش به طور مشخص در خصوص فعالیت بانکهای مرکزی توصیه‌های دیگری نیز ارائه گردیده است. بطور خلاصه با توجه به اهداف تاسیس بانکهای مرکزی و جایگاهی که این بانکها در کل سیستم اقتصادی دارا می‌باشند و به دلیل وظایف وسیع و اختیارات محدودی که این بانکها را از سایر موسسات مالی مجزا می‌کند به آنها اجازه داده می‌شود که از استانداردهای حسابداری بین‌المللی به طور کامل پیروی نکرده و مقررات خاص خود را داشته باشند. چرا که در غیر این صورت و به ویژه در خصوص مسئله مطروحه در این گزارش، چنانچه عایدی تحقق نیافته ناشی از نگهداری دارایی در دفاتر همانند اقلام تحقق یافته ثبت گردد می‌تواند در شرایط خاصی پیامدهای جبران‌ناپذیری داشته و کل سیستم اقتصادی را متاثر سازد.

با توجه به این ملاحظات باید در ثبت اقلام تحقق نیافته مربوط به عایدی ناشی از نگهداری دارایی دقت کافی اعمال شود. در این راستا پیشنهاد می‌شود ابتدا در وهله اول قانون و مقررات حاکم بر فعالیت بانک مرکزی (قانون پولی و بانکی کشور) از این دیدگاه و نحوه عمل حمایت کرده و در مرحله بعد در مقررات حسابداری بانک مرکزی و یادر دستورالعمل مربوطه جزییات نحوه ثبت تصریح گردد.

## فصل چهارم - پیشنهاد بندهای اصلاحی ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور

در حال حاضر بندهای الف و ب ماده ۲۶ قانون پولی و بانکی کشور به شرح ذیل می‌باشد:

### ماده ۲۶

الف - دولت موظف است در مقابل زیانهای احتمالی حاصل از تغییر برابریهای قانونی نسبت به طلا و پولهای خارجی و اتفاقات ناشی از قوه قهریه، اسناد خزانه بی‌نام با سررسید معین صادر و به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تسلیم نماید.

ب - سود احتمالی حاصل از تغییر برابریهای قانونی نسبت به طلا و پولهای خارجی و اتفاقات ناشی از قوه قهریه، به مصرف استهلاک اصل و بهره بدهیهای دولت به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران خواهد رسید و مازاد آن به خزانه دولت تحویل خواهد شد.

روشن است که بندهای الف و ب ماده ۲۶ فعلی مغایر بحثها و ملاحظات مطروحه در این گزارش می‌باشد و ضروری است که در این راستا اصلاحاتی صورت گیرد. تبصره‌های پیشنهادی جهت جایگزینی با بندهای الف و ب ماده ۲۶ قانون پولی و بانکی کشور به شرح ذیل ارایه می‌گردد.

### ماده ۲۶

الف - سود و زیان ناشی از تغییر تسعیر دارایی و بدهی‌های خارجی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طی سال مالی در حساب ذخیره تسعیر داراییها و بدهیهای خارجی در ترازنامه ثبت می‌گردد.

ب - در پایان هر سال مالی مانده منفی حساب ذخیره تسعیر داراییها و بدهیهای خارجی که مربوط به معاملات غیرقطعی می‌باشد به حساب سود و زیان بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران منتقل می‌گردد.

موارد جزئی تری که می‌توان در مقررات حسابداری بانک مرکزی و یا دستورالعمل مربوطه درخصوص تجدیدارزیابی تسعیر داراییها و بدهیهای خارجی به آنها اشاره کرد عبارتند از:

الف - ثبت اولیه کلیه داراییها و بدهیهای خارجی با نرخى که مورد معامله قرار گرفته و یا ایجاد تعهد کرده‌اند.

ب - تجدید ارزیابی کلیه داراییها و بدهیهای خارجی جهت تهیه ترازنامه در پایان سال مالی با احتساب نرخ بازار آنها و نرخ ارز موجود در بازار با ثبت آنها در ترازنامه تحت حساب ذخیره تسعیر داراییها و بدهیهای خارجی.

ج- ثبت سود و زیان ناشی از تغییر تسعیر دارایی و بدهی‌های خارجی مربوط به معاملات قطعی در حساب سود و زیان.

د- به تعویق انداختن ثبت سود و زیان تحقق نیافته در حساب سود و زیان مادامیکه قطعی شوند.

ه- ثبت سودهای تحقق نیافته در ستون بستانکار و زیان‌های تحقق نیافته در ستون بدهکار حساب ذخیره تسعیر دارایی‌های و بدهی‌های خارجی.

و- مانده بستانکار ناشی از سودهای تحقق نیافته در آمد تلقی نشده و بنابراین در محاسبه مالیات و سود سهام منظور نمی‌گردد؛ لیکن مانده بستانکار این حساب می‌تواند جهت تسویه مانده بدهکار ناشی از زیان تحقق نیافته مورد مصرف قرار گیرد.

ز- مانده نهایی بدهکار این حساب (مازاد زیانهای تحقق نیافته نسبت به سودهای تحقق نیافته) به

حساب سود و زیان منتقل می‌گردد. این انتقال در سالهای بعد برگشت پذیر نمی‌باشد. ۳/

## منابع و مآخذ

- قانون پولی و بانکی کشور (مصوب ۱۸ تیرماه ۱۳۵۱ با آخرین اصلاحات).
- اظهارنظر در خصوص الحاق دو تبصره به ماده ۲۶ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ - گزارش شماره (ز ۵۲ ض ۸۳) مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۴ - اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی - بانک مرکزی ج.ا.ا.
- ملاحظات حسابداری ذخایر ارزی در بانکهای مرکزی - مدیریت نظارت ارز و تعهدات ارزی - بانک مرکزی ج.ا.ا.، فروردین ۱۳۸۴.

- System of National Accounts ۱۹۹۳-(SNA۹۳)- UN.
- Monetary & Financial Statistics Manual (MFSM) – IMF
- Government Finance Statistics Manual ۲۰۰۱- (GFS)- IMF
- Balance of Payments Textbook -IMF
- Balance of Payments Compilation Guide- IMF
- Industry Accounting and Auditing Guides–Banks, The Institute of Chartered Accountants in England and Wales.
- Accounting Standards for Central Banks.
- Accounting for Foreign Exchange in Central Bank Operations – Occasional Paper ۹۷/۲, Monetary and Exchange Affairs Department (MAE)- IMF.
- Fair Value Accounting in the Banking Sector – European Central Bank.
- The Tax – exempt status of the Central Bank in the Philippines, BIS paper No.۲۰
- Internet Sources:
  - Web summaries IAS ۲۱- [www.iasb.org](http://www.iasb.org).
  - Web summaries IAS ۳۹ – [www.iasb.org](http://www.iasb.org).
  - Summaries of International Financial Reporting.

- Accounting Standards – [www.IFRS](http://www.IFRS) summaries. Htm.
- Accounting and Reporting for Investment in Securities (Korean Accounting Standards, IAS and US GAAP)
- New Central Bank Act- Bangko Central ng Pilipinas.
- Statement on the General Meeting of the National Bank of Hungary.